



۲۰۱۶/۱۲/۳۰



امین الدین سعیدی «سعید افغانی»

ازدواج با دو خواهر در یک وقت!

قسمت دوم

ازدواج حضرت موسی علیه السلام

با دو دختر حضرت شعیب

در بدو کلام با تمام تاکید و علم یقین با ید گفت که حضرت موسی علیه السلام با دو دختر شعیب علیه السلام ویا دوخواهر که در داستان ها ذکر از آن بعمل آمده به هیچ صورت ازدواج نکرده ، بلکه این ازدواج فقط با یکی از دو خواهر صورت گرفته است ، طوریکه قرآن عظیم الشان در (سوره قصص آیات ۲۳-۲۹). در مورد میفرماید :

« وَلَمَّا وَرَدَ مَاءَ مَدْيَنَ وَجَدَ عَلَيْهِ أُمَّةً مِّنَ النَّاسِ يَسْتَفُونَ وَوَجَدَ مِنْ دُونِهِمُ امْرَأَتَيْنِ تَذُودَانِ قَالَ مَا خَطْبُكُمَا قَالَتَا لَا نَسْقِي حَتَّى يُصَدَرَ الزَّعَاةُ وَأَبُونَا شَيْخٌ كَبِيرٌ * فَسَقَى لَهُمَا ثُمَّ تَوَلَّى إِلَى الظِّلِّ فَقَالَ رَبِّ إِنِّي لِمَا أَنْزَلْتَ إِلَيَّ مِنْ خَيْرٍ فَقِيرٌ * فَجَاءَتْهُ إِحْدَاهُمَا تَمْشِي عَلَى اسْتِحْيَاءٍ قَالَتْ إِنَّ أَبِي يَدْعُوكَ لِيَجْزِيَكَ أَجْرَ مَا سَقَيْتَ لَنَا فَلَمَّا جَاءَهُ وَقَصَّ عَلَيْهِ الْقِصَصَ قَالَ لَا تَخَفْ وَنَجَوْتُ مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ * قَالَتْ إِحْدَاهُمَا يَا أَبَتِ اسْتَأْجِرْهُ إِنَّ خَيْرَ مَنِ اسْتَأْجَرْتَ الْقَوِيُّ الْأَمِينُ * قَالَ إِنِّي أُرِيدُ أَنْ أَنْكِحَكَ إِحْدَى ابْنَتَيَّ هَاتَيْنِ عَلَى أَنْ تَأْجُرَنِي ثَمَانِي حَجَّجٍ فَإِنْ أَتَمَمْتَ عَشْرًا فَمِنْ عِنْدِكَ وَمَا أُرِيدُ أَنْ أَشُقَّ عَلَيْكَ سَتَجِدُنِي إِنْ شَاءَ اللَّهُ مِنَ الصَّالِحِينَ * قَالَ ذَلِكَ بَيْنِي وَبَيْنَكَ أَيَّمَا الْأَجَلَيْنِ قَضَيْتُ فَلَا عُدْوَانَ عَلَيَّ وَاللَّهُ عَلَى مَا نَقُولُ وَكِيلٌ * فَلَمَّا قَضَى مُوسَى الْأَجَلَ وَسَارَ بِأَهْلِهِ آنَسَ مِنْ جَانِبِ الطُّورِ نَارًا قَالَ لِأَهْلِهِ امْكُثُوا إِنِّي آنَسْتُ نَارًا لَعَلِّي آتِيكُمْ مِنْهَا بِخَبَرٍ أَوْ جَذْوَةٍ مِنَ النَّارِ لَعَلَّكُمْ تَصْطَلُونَ » یعنی: «و چون (موسی) به آب مدین رسید» یعنی: به چاه آبی که مردم آب آشامیدنی خود و چهارپایان خویش را از آن برمی گرفتند «گروهی از مردم را بر آن یافت که حیوانات خود را آب می دادند و پایینتر از آن، دو زن را یافت که حیوانات خود را دور می کردند» از نزدیک آب تا مردم از آب دادن چهارپایان خویش فارغ شوند آن گاه بتوانند بی مزاحمت و مانعی به آب دادن چهارپایان خود بپردازند «گفت» موسی علیه السلام خطاب به آن دو زن «کار شما چیست؟» یعنی: منظورتان از این کار چیست که گوسفندان خود را همراه با مردم دیگر آب نمی دهید؟ «گفتند: ما به چهارپایان خود آب نمی دهیم تا شبانان همگی حیوانات خود را از آبشخور بازگردانند» عادت ما این است که درنگ کنیم و انتظار بکشیم تا مردم از آب بازگردند زیرا از این که با مردم نامحرم درآمیزیم، می پرهیزیم. یا به این دلیل که از آب دادن حیوانات خویش همپای آنان عاجز و ناتوان هستیم «و پدر ما پیری کهنسال است» که به خاطر سالخوردگی و ناتوانی نمی تواند چهارپایان را آب دهد، از این روی ناچار شدیم که خود به گوسفندانمان آب بدهیم.

«پس» چون موسی علیه السلام سخن آن دو را شنید؛ «چهارپایانشان را برایشان آب داد» به خاطر گرایشی که به کار معروف و یاری‌دادن ناتوانان داشت. «به سوی سایه برگشت» و مجدداً در آن نشست «و گفت: پروردگارا! من به هر خیری که بر من بفرستی» اندک باشد یا بسیار «فقیرم» یعنی: نیازمندم. مراد وی از خیر، غذا برای رفع گرسنگی بود چراکه او بی‌توشه از مصر به راه زده بود و توشه وی هر خوراکی‌ای بود که در راه می‌یافت.

«پس یکی از آن دو زن - درحالی‌که با شرم و آزرگام بر می‌داشت - نزد وی آمد» «گفت» آن دختر به موسی علیه السلام «پدرم تو را می‌طلب تا مزد آدهی‌ات برای چهارپایان ما را به تو بدهد» و مرا به منظور ابلاغ این دعوت نزد تو فرستاده است «پس چون» موسی علیه السلام «نزد او آمد و داستانهای خود را بر او حکایت کرد، گفت» پدر آن دو دختر «نترس که از قوم ستمکار نجات یافتی» یعنی: از فرعون و کسانش نجات یافتی زیرا فرعون بر سرزمین ما (مدین) تسلطی ندارد.

«یکی از آن دو دختر گفت: پدرجان! او را استخدام کن» تا گوسفندانمان را به چرا ببرد «چرا که بهترین کسی است که می‌توانی استخدام کنی، هم نیرومند و هم امین است» «گفت» پدر آن دو دختر به موسی علیه السلام «من می‌خواهم یکی از این دو دختر خود را به نکاح تو درآورم در قبال این که هشت سال برای من کار کنی» یعنی: دخترم - که‌گویند نامش صفورا بود - را به این شرط به ازدواج تو در می‌آورم که مهر وی هشت سال کار تو نزد من باشد و این کار، عبارت است از چوپانی گوسفندانم «و اگر آن را در ده سال به پایان رساندی، این از نزد توست» یعنی: اگر به جای هشت سال، چوپانی را به ده سال رسانیدی و دو سال را در خدمت به من افزودی، این بخشش و فضلی از نزد توست، نه الزام و اجباری از جانب من.

بدین ترتیب، او این قضیه را به مردانگی و همت خود موسی علیه السلام موکول کرد «و نمی‌خواهم بر تو سخت گیرم» با الزام و اجبارت به تمام کردن ده سال «و مرا ان شاء الله از صالحان خواهی یافت» «گفت» موسی علیه السلام «این» قرارداد و عهده‌ی که آن را بازگو کردی و بر من و خود در آن شرط نهادی «میان من و تو باشد» و هیچ‌یک از ما دوطرف نباید از مفاد آن تخلف کنیم «هریک از این دو مدت را به انجام رسانیدم» هشت یا ده سال را «نباید بر من عدوانی باشد» «و خدا بر آنچه می‌گوییم» از این شرطهایی که در میان ما منعقد شد؛ «وکیل است» یعنی: گواه و نگهبان است لذا هیچ‌یک از ما راهی به سوی تجاوز از این شروط نداریم.

«پس چون موسی آن مدت مقرر را به پایان رسانید» و آن کامل‌ترین دو مدت، یعنی مدت ده سال بود «و خانواده‌اش را همراه برد از جانب طور آتشی را دید به خانواده‌اش گفت: اینجا درنگ کنید که من آتشی از دور دیدم، شاید برای شما از آنجا خبری بیاورم باشد که خود را گرم کنید».

محارم در امر ازدواج

مَحْرَم یکی از جمله اصطلاحاتی در فقه اسلامی که شامل گروهی از خویشاوندان نزدیک می‌شود که ازدواج با آن‌ها حرام است. موضوع محارم در امر ازدواج از جمله مباحثی است که، نه تنها در دین مقدس اسلام مورد بحث و دقت قرار گرفته است، بلکه در سایر ادیان ابراهیمی نیز رعایت گردیده است و برای پیروان خویش اکیداً هدایات لازم صادر نموده و ازدواج با محارم را مشروع نمی‌دانند و از آن ممانعت به عمل می‌آورند.

محارم در دین یهودیت:

در دین یهودیت اصلاً ازدواج با بیگانه ممنوع می‌باشد، بنأ کوشش اعظمی بخرچ می‌دهند تا این ازدواج‌ها در قدم اول با خویشاوندان و در قدم بعدی با هم‌دینان خودشان یعنی با یهودیان صورت گیرد.

در شریعت حضرت موسی علیه السلام ازدواج را با محارم ممنوع اعلام داشته، در شریعت یهودیت آمده است: « ازدواج با مادر و دختر و دیگر محارم حرام است و هر کس مرتکب چنین ازدواجی شود سزایش کشتن و قتل است. » (مبلغی آبادانی، عبدالله، تاریخ ادیان و مذاهب جهان، حرّ، ۳۷۶ ش، جلد ۲، صفحه ۶۲۱ و ۶۲۶).

همچنان در شریعت یهودی از محارم دیگری هم ذکری بعمل آمده است که از آنجمله می‌توان از: حرام بودن نکاح با خواهر، عمه، خاله، خواهرزاده و برادرزاده نام برد.

نقطه قابل دقت در دین یهودیت اینست که: رضاع (شیردادن) سبب حرمت ازدواج نمی‌شود. (شبلی، احمد، مقارنۃ الادیان (بخش یهود)، قاهره: مکتبه النهضة المصریة، (بی تا)، صفحه ۲۹۹).

این بدین معنی است که در دین یهودیت بر خلاف دین مقدس اسلام مرد می‌تواند با خواهر رضاعی خود ازدواج کند.

از موارد دیگری که در شریعت موسی (ع) از محارم شمرده شده است می‌توان به زن پدر (مادر اندر)، خواهر اندر، و برادر اندر (از طرف مادر یا پدر از شخص دیگری هستند) نواسه دختری، نواسه پسری، جمع بین دو خواهر اشاره کرد.

(مجمع الکنائس الشرقی، قاموس کتاب المقدس، (بی جا) منشورات مکتبة المشعل، ۱۹۸۱ م، صفحه ۶۱۷) و همچنین ربیبه یعنی دختر زنیکه انسان با او ازدواج کرده است برای این شخص (پدراندر) حرام است.

چنانچه جریان حضرت یحیی در راه مبارزه با چنین ازدواجی کشته شد. به این ترتیب که هیردوس پادشاه وقت قوم یهود بعد از مرگ برادرش با زن وی ازدواج کرد و بعد از مدتی به دختر این زن که هم برادرزاده اش بود و هم ربیبه اش، علاقه مند شد و مسئله را با حضرت یحیی در میان گذاشت ولی آن حضرت فرمود این عمل در شریعت آسمانی روا نیست و این دختر هرگز بر تو حلال نمی‌شود. (مجمع الکنائس الشرقیة، کتاب المقدس، (بی تا)، صفحه ۱۴۳ - ۱۴۴).

به خاطر این فتوی، پادشاه، یحیی را زندانی کرد و از دختر خواستگاری نمود و گفت در قبال ازدواجت هر چه خواهی خواهم داد. آن دختر هم چون یحیی را مانع ازدواج شان می‌دید، قتل حضرت را خواستار شد و شاه هم خواسته دختر را اجابت کرد و سر حضرت یحیی را از بدنش جدا کرد.

در مواردی از تورات نیز به ممنوعیت ازدواج با محارم اشاره شده است. (تورات، سفر لویان، باب ۱۸، آیات ۶-۲۳)

پایان قسمت دوم

ادامه دارد